



رسمي جريده

قانون اساسي دولت جمهوري افغانستان

لومړۍ ګڼه

پر له پسې لمبر (۳۶۰)

نېټه: دوشنبه د ۱۳۵۶ کال د وري د مياشتې (۱۵)

توشیح رئیس جمهور افغانستان

بنام خداوند بزرگ و به آرزوی سعادت مردم نجیب افغانستان من محمد داود اولین رئیس جمهور افغانستان به ناسی از وظیفه ئیکه نمایندگان نخستین لویه جرگه دولت جمهوری به استناد مصوبه تاریخی ۲۵ دلو ۱۳۵۵ هجری شمی به اتفاق آراء بمن سپرده است این قانون اساسی را الیوم پنجشنبه ۵ حوت ۱۳۵۵ هجری شمس در کابل مرکز افغانستان توشیح و انفاذ آنرا اعلام مینمایم.

محمد داود

اولین رئیس جمهور دولت جمهوری افغانستان پنجم حوت ۱۳۵۵

دیباجه

از آنجائیکه ملل و جوامع پیوسته در مسیر تاریخ در حال تحول و تکامل می باشند، و از آنجائیکه این واقعیت در زندگی تاریخی ما بحیث یک ملت و جزء جامعه بشری پدیدار گشته، بناء:

جهت تامین یک زندگی آبرومند استوار برپایه های متین عدالت و کفایت و مملو از سعادت، رفاه و اطمینان.

جهت تامین آرمانهای مقدس ملی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲.

جهت تقویه و استحکام روز افزون وحدت ملی، تضامن و تساند، تامین عدالت اجتماعی، امحای تضاد ها به شیوه مثبت و مترقی مطابق به واقعیتهای تاریخ، فرهنگ ملی و شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جامعه ما بمنظور احترام عمیق به تاریخ باشکوه و گذشته پر عظمت مردم کشور ما، و مبارزات مستدام شان در راه حفظ هویت ملی و استقلال کشور و ایفای رسالت تاریخی و انسانی آنها، با ایمان به خداوند بزرگ (جل جلاله) و پیروی از اساسات دین مقدس اسلام، و بالاخره جهت تحقق این همه مقاصد و غایه ها ما مردم افغانستان با درک شرایط و ایجابات عصر تصمیم گرفته ایم تازندگی می خود را بر اساس آزادی، ترقی، حق، عدالت و صلح روی اصول برادری و برابری استقرار بخشیم، و فلسفه حیات و سرنوشت نسل های امروز و فردای کشور را مطابق به اهداف اساسی و اقتصادی انقلاب ملی و مترقی ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ افغانستان بنیان گذاری نمائیم.

با درک این حقایق، این وثیقه ملی را بحیث قانون اساسی دولت جمهوری جهت تامین سعادت، رفاه و ارتقای مادی و معنوی مردم نجیب افغانستان برای خود و رهنمایی نسلهای آینده وضع نمودیم.

فهرست

صفحه

۱

فصل اول

هدف های اساسی

۲

فصل دوم

اساسات اقتصادی

۳

فصل سوم

دولت

۴

فصل چارم

حقوق ووجایب مردم

۹

فصل پنجم

ملی جرگه

۱۲

فصل ششم

لویه جرگه

۱۴

فصل هفتم

رئیس جمهور

۱۷

فصل هشتم

حکومت

۱۹

فصل نهم

قضاء

ACKU

فصل اول

هدف های اساسی

ماده اول

دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی.

ماده دوم

اجرای قدرت توسط مردم که اکثریت آنرا دهقانان، کارگران، منورین و جوانان تشکیل میدهند.

ماده سوم

تحکیم اتحاد فکر و عمل بمنظور سهم گرفتن کامل مردم برای ساختمان و انکشاف مادی و معنوی کشور.

ماده چارم

تامین دیموکراسی متکی بر عدالت اجتماعی و منافع مردم.

ماده پنجم

احترام به آزادی و کرامت انسانی و از بین بردن هرگونه تعذیب و تبعیض.

ماده ششم

استقرار و استحکام روز افزون نظام جمهوری.

ماده هفتم

ایجاد تحولات دوامدار، عمیق و بنیادی اقتصادی و اجتماعی متکی براساسات و ارزشهای مندرج این قانون اساسی بمنظور
تامین منافع اکثریت مردم افغانستان.

ماده هشتم

از بین بردن استثمار بهر نوع و شکلی که باشد.

ماده نهم

تضمین حق کار.

ماده دهم

تأمین و تعمیم تعلیمات ابتدایی اجباری، توسعه و رشد تعلیمات ثانوی عمومی، مسلکی و عالی به صورت مجانی بمنظور پرورشی واکمال کادر های علمی وفنی جهت خدمت به مردم.

ماده یازدهم

بسط و توسعه طب وقایوی ومعالجوی بمنظور حفظ وبهبود صحت عامه.

ماده دوازدهم

احترام به اساسات منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و پشتیبانی از صلح عادلانه. درنهایت تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس برادری، برابری، تعاون و حفظ کرامت انسانی.

فصل دوم

اساسات اقتصادی

ماده سیزدهم

منابع از قبیل معادن، جنگلات و انرژی، صنایع بزرگ، مخابرات، تاسیسات مهم ترانسپورت هوایی وزمینی، بنادر، بانک ها، بیمه ها، تاسیسات مهم تهیه ارزاق، آثار باستانی و تاریخی، مطابق به احکام قانون جزء دارائی ملت و اداره آن متعلق به دولت است.

ماده چاردهم

حد نهایی ملکیت زراعتی توسط قانون اصلاحات ارضی تعیین و تثبیت میگردد.

ماده پانزدهم

ملکیت و تشبثات خصوصی متکی به اصل عدم استثمار توسط قانون تنظیم میشود.

ماده شانزدهم

کوپراتیف ها و شرکت های تعاونی تولید ومصرف با اشتراک مردم بمنظور تامین منافع اکثریت مردم مطابق باحکام قانون از طرف حکومت تشویق، حمایه و رهنمایی میشود.

ماده هفدهم

سرمایه گذاریها و تشبثات خصوصی در ساحه صنایع متوسط، کوچک و دستی مطابق به احکام قانون تشویق، حمایت و راهنمایی میشود.

ماده هجدهم

تجارت کشور به اساس تجارت رهبری شده بروی منافع اکثریت مردم مطابق باحکام قانون تنظیم میشود.

ماده نوزدهم

مالیات بر اساس عدالت اجتماعی مطابق به احکام قانون اخذ میگردد.

فصل سوم

دولت

ماده بیستم

افغانستان دولت جمهوری، دیموکراتیک، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه میباشد.

ماده بیست و یکم

حاکمیت ملی در افغانستان بمردم تعلق دارد.

ملت افغانستان عبارتست از تمام افرادی که تابعیت دولت افغانستان را مطابق باحکام قانون دارا باشند.

بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق میشود.

ماده بیست و دوم

دین افغانستان دین مقدس اسلام است.

آن افراد ملت که پیرو دین اسلام نیستند در اجرای مراسم مذهبی خود را داخل حدودیکه قوانین مربوط به آداب و آسایش عامه تعیین میکند آزاد میباشند.

ماده بیست و سوم

از جمله زبان های افغانستان پشتو و دری زبان های رسمی میباشد.

ماده بیست و چهارم

بیرق افغانستان دارای رنگ های سیاه، سرخ، و سبز میباشد که بصورت افقی به اندازه های معین از بالا به پائین واقع شده و در قسمت چپ بالائی آن نشان ملی دولت نصب میباشد.

تعریف و اندازه بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده بیست و پنجم

قوای مسلح دولت جمهوری افغانستان که به هدف های انقلاب ملی و فادار و به عنعنات ملی خود پایند می باشد در خدمت مردم تحت اوامر حکومت قرار دارد.

قوای مسلح دفاع قلمرو افغانستان را بعهده داشته و از طریق شورای عالی قوای مسلح در فعالیت های ملی سهم میگیرد.

ماده بیست و ششم

اداره افغانستان بر اصل مرکزیت مطابق باحکام قانون استوار است.

مرکز افغانستان شهر کابل میباشد.

فصل چارم

حقوق و واجایب مردم

ماده بیست و هفتم

تمام مردم افغانستان اعم از زن و مرد بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون حقوق و واجایب مساوی دارند.

ماده بیست و هشتم

آزادی حق طبیعی انسان است مگر اینکه به آزادی و شرافت دیگران یا به منفعت و امنیت عامه و مصالح ملی صدمه یالطمه وارد کند. این حق توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده بیست و نهم

هر افغان که سن هژده سالگی را تکمیل کند مطابق با احکام قانون حق رای دادن را دارد.

ماده سی ام

برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تاوقتیکه به حکم قطعی محکمه باصلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد بی گناه شناخته میشود.

هیچ عملی را نمیتوان جرم شمرد مگر بموجب قانون.

هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر برطبق حکم محکمه باصلاحیت.

هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونیکه قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

هیچ کس را نمیتوان تعقیب گرفتار یا توقیف نمود مگر مطابق با احکام قانون.

ماده سی و یکم

جرم یک امر شخصی است.

تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزاء بر او به شخص دیگری سرایت نمیکند.

تعذیب و تعیین جزائیکه مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد.

هر شخص حق دارد برای دفع اتهامیکه قانوناً علیه او وارد گردیده وکیل مدافع تعیین کند.

ماده سی و دوم

مدیون بودن شخص در برابر شخص دیگر موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی شده نمیتواند.

طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده سی و سوم

هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه کشور خود سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقیکه قانون ممنوع قرار داده است.

همچنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون بخارج سفر نماید و بوطن عودت کند.

ماده سی و چارم

هیچ افغان به تبعید در داخل و یا خارج افغانستان محکوم شده نمیتواند.

هیچ شخص به منع اقامت در محل معین یا انتقال از آن محکوم شده نمیتواند مگر در حالاتیکه قانون بمنظور تامین امنیت و منافع عامه اجازه داده باشد.

هیچ افغان بعلت اتهام جرم به دولت خارجی سپرده نمیشود.

ماده سی و پنجم

مسکن شخص از تعرض مصئون است. هیچ شخص بشمول دولت نمیتواند بدون اجازه ساکن یا حکم محکمه باصلاحیت و بغير از حالات و طرزیکه در قانون تصریح شده به مسکن کسی داخل شود یا آنرا تفتیش کند.

در مورد جرم مشهور مامور مسئول میتواند به مسکن شخص بدون اجازه او یا اجازه قبلی محکمه به مسئولیت خود داخل شود و یا آنرا تفتیش کند.

مامور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش در خلال مدتیکه قانون تعیین میکند حکم محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و ششم

ملکیت از تعرض مصئون است.

ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه باصلاحیت مصادره نمیشود.

استملاک ملکیت خصوصی تنها به مقصد تامین منافع عامه در بدل تعویض عادلانه بموجب قانون مجاز میباشد.

هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمیشود مگر در حدود قانون.

طرز استعمال ملکیت بمنظور تامین منافع عامه توسط قانون تنظیم و رهنمائی میشود.

ماده سی و هفتم

آزادی و محرومیت مخابرات اشخاص چه بصورت مکتوب و چه بوسیله تلیفون و تلگراف و یا وسایل دیگر باشد از تعرض مصئون است.

دولت حق تفتیش مخابرات اشخاص را ندارد مگر بموجب حکم قانون.

در حالات عاجل که در قانون تعریف میگردد مامور مسئول میتواند بدون اجازه قبلی محکمه به مسئولیت خود به تفتیش مخابرات اقدام کند.

مامور مکلف است بعد از اجرای تفتیش در خلال مدتی که قانون تعیین میکند حکم محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و هشتم

آزادی فکر و بیان از تعرض مصئون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را بوسیله گفتار، نوشته، تصویر یا امثال آن مطابق به احکام قانون اظهار کند.

اجازه و امتیاز تاسیس مطابع و نشر مطبوعات تنها به اتباع افغانستان مطابق با احکام قانون داده میشود.

تاسیس مطابع بزرگ و تاسیس و تدویر دستگاه عامه فرستنده رادیو و تلویزیون مختص بدولت است.

ماده سی و نهم

اتباع افغانستان حق دارند برای تامین مقاصد جایز و صلح آمیز بدون حمل سلاح مطابق با احکام قانون اجتماع نمایند.

ماده چهلیم

برای انعکاس خواسته های اجتماعی و تربیت سیاسی مردم افغانستان تازمانیکه این آرزو بر آورده گردد و به رشد طبیعی خود برسد سیستم یک حزبی در کشور بر هبری حزب انقلاب ملی بانی و بیشاهنگ انقلاب مردمی و مترقی ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ مردم افغانستان است بر قرار خواهد بود.

ماده چهل و یکم

کار حق، شرف و فریضه هر افغانیست که قدرت اجرای آنرا داشته باشد.

هدف عمده قوانینیکه برای تنظیم کار وضع میگردد رسیدن بمرحله ایست که در آن حقوق و منافع تمام زحمتکشان، دهقانان، کار گران و اصناف حمایت شود، شرایط مساعد کار فراهم گردد، روابط بین کارگر و کار فرما بصورت عادلانه و مترقی تنظیم گردد.

انتخاب شغل و حرفه در داخل شرایطی که قانون تعیین مینماید آزاد میباشد.

ماده چهل و دوم

اتباع افغانستان به اساس اهلیت و بموجب احکام قانون بخدمت دولت پذیرفته میشوند.

ماده چهل و سوم

تحمیل کار اجباری اگر چه برای دولت باشد جواز ندارد.

تحریم کار اجباری مانع تطبیق قوانینی نمیشود که بمنظور تنظیم فعالیت دسته جمعی برای تامین منافع عامه وضع میگردد.

ماده چهل وچهارم

هر افغان مکلف است بدولت مالیه و محصول تادیه کند.

هیچ محصول و مالیه بدون حکم قانون وضع نمیشود.

اندازه مالیه و محصول و طرز تادیه آن بار عایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین میگردد.

این حکم در مورد اشخاص خارجی نیز تطبیق میشود.

ماده چهل وپنجم

دفاع از وطن و وظیفه مقدس تمام اتباع افغانستان است.

کافه اتباع افغانستان به اجرای خدمت زیر بیرق مطابق باحکام قانون مکلف میباشند.

ماده چهل و ششم

پیروی از احکام قانون اساسی، وفا داری به اهداف انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و نظام جمهوری، احترام به رئیس جمهور، اطاعت به قوانین، رعایت نظم و امن عامه، صیانت منافع وطن و اشتراک در حیات ملی وظیفه تمام مردم افغانستان است.

ماده چهل و هفتم

هیچ کس نمیتواند با استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی به استقلال ملی، تمامیت ارضی، وحدت ملی و به خواسته های منافع اکثریت مردم و یا به هدف های انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ صدمه وارد کند.

فصل پنجم

ملی جرگه

ماده چهل و هشتم

ملی جرگه افغانستان مظهر اراده مردم آنست و از قاطبه ملت نمایندگی میکند.

ماده چهل و نهم

اعضای ملی جرگه که پنجاه فیصد آنرا دهقانان و کارگران تشکیل میدهد از جانب حزب پیشنهاد و از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم مطابق باحکام قانون برای مدت چهار سال از طرف مردم انتخاب میشوند.

باین منظور افغانستان به حوزه های انتخاباتی تقسیم میگردد.

تعداد و ساحه حوزه ها توسط قانون تعیین میشود.

ماده پنجاهم

طرز و شرایط انتخاب وکلای ملی جرگه ووظایف شان مطابق احکام قانون تنظیم میگردد.

طرز تدفین وثایق و رسیدگی به اعتراض بر قانونی بودن انتخاب یک وکیل مطابق به اصول وظایف داخلی ملی جرگه صورت میگیرد.

ماده پنجاه و یکم

سلب امتیاز وکالت از وکیل تنها به موافقه دو ثلث اعضای ملی جرگه صورت میگیرد.

ماده پنجاه و دوم

شرایط انتخاب کنندگان در قانون انتخابات تعیین میگردد.

شخصیکه به عضویت ملی جرگه انتخاب میشود باید علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف آتی باشد:

۱ - اقلا ده سال قبل از تاریخ انتخاب تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.

۲ - از طرف محکمه به حرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد.

۳ - سن بیست و پنج سالگی را در موقع انتخاب تکمیل کرده باشد.

ماده پنجاه و سوم

هر عضو ملی جرگه حق دارد در داخل جرگه در موضوع مورد مباحثه نظریه خود را مطابق به اصول ووظایف داخلی اظهار نماید.

ماده پنجاه و چهارم

هیچ عضو ملی جرگه بعلت رأی یا نظریه ایکه هنگام اجرای وظیفه ابراز میدارد مورد تعقیب عدلی قرار نمیگیرد. هرگاه یک عضو ملی جرگه بجرمی متهم شود مامور مسئول از موضوع به ملی جرگه اطلاع میدهد و بعد از آنکه جرگه مذکور باکثريت آراء اجازه بدهد متهم تحت تعقیب عدلی قرار میگیرد.

در موارد جرم مشهود مامور مسئول میتواند متهم را بدون اجازه جرگه تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید. هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند مامور مسئول مکلف است موضوع را بلافاصله به اطلاع جرگه و در هنگام تعطیل به اطلاع هیأت اداری جرگه برساند. هیأت اداری مکلف است موضوع را به اطلاع اولین جلسه ملی جرگه که بعد از تعطیل صورت میگیرد برساند.

ماده پنجاه و پنجم

حکومت میتواند در جلسات ملی جرگه اشتراک ورزد. جرگه می تواند حضور اعضای حکومت را در جلسه مطالبه و از آنها استیضاح نماید.

مباحثات جلسات ملی جرگه علنی میباشد مگر اینکه رئیس جمهور سری بودن جلسه را اعلام بدارد. همچنان رئیس ملی جرگه، هر عضو حکومت و یا اقلا ده نفر از اعضای ملی جرگه می توانند سری بودن آنرا در خواست نمایند و جرگه این درخواست را بپذیرد.

هیچ کس نمی تواند عنفاً به مقر ملی جرگه داخل شود، متخلفین مطابق باحکام قانون مجازات میشود.

ماده پنجاه و ششم

جز در مواردیکه حکم آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم ملی جرگه باکثريت آرای اعضای حاضر اتخاذ میگردد.

ماده پنجاه و هفتم

ملی جرگه در هر سال یک اجلاس عادی برای مدت چهار ماه مسلسل که بتاریخ اول قوس آغاز میشود دایر میکند.

ماده پنجاه و هشتم

ملی جرگه در آغاز دوره تقنینیه از بین اعضای خود یک نفر رابحیث رئیس انتخاب میکند.

جرگه از بین اعضای خود دو نفر را بحیث نایب اول و دوم رئیس ودونفر دیگر را بحیث منشی ونایب منشی در آغاز اجلاس سالانه برای مدت یک سال انتخاب میکند.

اشخاص فوق هیأت اداری ملی جرگه را تشکیل میدهند ودر ظرف مدت اعظمی پانزده روز از آغاز اجلاس باید انتخاب گردند.

ماده پنجاه و نهم

ملی جرگه برای مطالبه دقیق و مفصل موضوعات مورد بحث برطبق احکام اصول وظایف داخلی، انجمن ها تعیین میکند.

ماده شصتم

ملی جرگه اصول وظایف داخلی خود را وضع مینماید.

ماده شصت و یکم

برای اعضای ملی جرگه معاش مناسب مطابق باحکام قانون تعیین میگردد.

ماده شصت و دوم

ملی جرگه برای تنظیم اموریاتی افغانستان مطابق باحکام این قانون اساسی بر مسوده قوانینی که از طرف حکومت وقوه قضائیه پیشنهاد میگردد بعد از مطالعه وغور تصمیم لازم اتخاذ مینماید.

اتخاذ تصمیم بر بودجه، تصدیق معاهدات بین الدول، فرستادن قطعات قوای مسلح دولت جمهوری افغانستان به خارج از صلاحیت های ملی جرگه میباشد.

در هنگام تعطیل یا انحلال ملی جرگه حکومت میتواند برای تنظیم امور عاجل فرامین تقنینی تسوید وترتیب کند، این فرامین بعد از توشیح واعلام رئیس جمهور نافذ میگردد.

این فرامین تقنینی جهت اتخاذ تصمیم به ملی جرگه در خلال مدت سی روز از تاریخ انعقاد اولین جلسه آن ارائه می شود.

ماده شصت وسوم

قانون عبارتست از مصوبه ملی جرگه که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد.

ماده شصت و چارم

هیچ قانون نمیتواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام، نظام جمهوری و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.

فصل ششم

لویه جرگه

ماده شصت و پنجم

در افغانستان لویه جرگه عالیتترین مظهر قدرت و اراده مردم آنست.

لویه جرگه مرکب است از:

- اعضای ملی جرگه.
- اعضای شورای مرکزی حزب.
- اعضای حکومت و شواربعالی قوای مسلح.
- اعضای ستره محکمه.
- پنج الی هشت نفر نماینده از هر ولایت.
- سی نفر اعضاء که بوسیله فرمان از طرف رئیس جمهور تعیین میشود.

ماده شصت و ششم

لویه جرگه مطابق به احکام این قانون اساسی توسط فرمان رئیس جمهور دایر میشود.

رئیس جمهور، رئیس لویه جرگه میباشد.

در صورت وفات یا استعفای رئیس جمهور در خلال مدت بیست روز از تاریخ وفات یا استعفاء، لویه جرگه از طرف مقام ریاست جمهوری دایر میگردد.

ماده شصت و هفتم

لویه جرگه در حالات آتی تحت ریاست رئیس جمهور ویا نائب رئیس لویه جرگه دایر میگردد:

۱ - تعدیل قانون اساسی.

۲ - انتخاب و قبول استعفای رئیس جمهور.

۳ - تصویب اعلان حرب و متارکه.

۴ - هر واقعه مهمی که تصویب لویه جرگه را ایجاب کند.

ماده شصت و هشتم

در هنگام دایر بودن لویه جرگه حکم ماده پنجاه و چارم این قانون اساسی در مورد اعضای آن تطبیق می‌گردد.

ماده شصت و نهم

مباحثات لویه جرگه علنی می‌باشد مگر اینکه بیش از دوثلث اعضای حکومت و یا شورای مرکزی حزب ویاسی نفر از اعضاء سری بودن آنرا در خواست نمایند و لویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

ماده هفتادم

لویه جرگه بعد از افتتاح در اولین جلسه خود نائب رئیس و دونفر منشی را از بین اعضای خود به اکثریت آراء اعضاء انتخاب می‌کند.

ماده هفتاد و یکم

جز در مواردیکه احکام آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم لویه جرگه به اکثریت آراء اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد.

ماده هفتاد و دوم

با رعایت احکام این قانون اساسی طرز العمل لویه جرگه توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده هفتاد و سوم

لویه جرگه دارای صلاحیت هائی می‌باشد که در این قانون اساسی تعیین گردیده است.

ماده هفتاد و چارم

در حالات انحلال ملی جرگه اعضای آن حیثیت خود را بصفت اعضای لویه جرگه تا دایر شدن ملی جرگه جدید حفظ می‌کنند.

در حالت دایر بودن اجلاس لویه جرگه همه اعضای آن بدون در نظر داشت مقام، رتبه و وظیفه حق مساوی دارند.

فصل هفتم

رئیس جمهور

ماده هفتاد و پنجم

رئیس جمهور در راس دولت افغانستان قرار داشته وظایف قوه اجرائیه و حزبی را که مطابق با احکام این قانون اساسی و اساسنامه حزب مستقیماً بعهده دارد توسط اورگنهای مربوط اداره و رهنمایی میکند.

ماده هفتاد و هشتم

رئیس جمهور پس از نامزد شدن از طرف حزب از طریق لویه جرگه با اکثریت دوثلث آراء اعضاء برای مدت شش سال انتخاب میگردد.

ماده هفتاد و نهم

رئیس جمهور باید تبعه افغانستان و مسلمان بوده خود و همسروی از والدین افغان متولد و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار و سن وی از چهل سال کم نباشد.

ماده هفتاد و دهم

رئیس جمهور دارای صلاحیتهای و وظایف آتی می باشد:

۱ - قیادت اعلی قوای مسلح کشور.

۲ - با مشوره لویه جرگه اعلان حرب و متارکه.

در صورت خطر فوری و آشکاری که استقلال و تمامیت ارضی را تهدید کند و یا در حالات عاجل دیگر، رئیس جمهور میتواند تصمیمات استثنایی اتخاذ نماید و لویه جرگه را دایر کند.

۳ - اعلان حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن.

۴ - دایر کردن و افتتاح لویه جرگه.

۵ - افتتاح اجلاس عادی ملی جرگه و دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده آن.

۶ - منحل ساختن ملی جرگه و اصدار فرمان انتخابات مجدد انتخابات مجدد در خلال مدت سه ماه از تاریخ انحلال ملی جرگه صورت میگیرد.

۷ - تحکیم وحدت ملی و پشتیبانی از منافع مردم افغانستان.

۸ - رهبری و هماهنگسازی سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق با احکام این قانون اساسی.

۹ - تخفیف و عفو مجازات.

۱۰ ح- اعطای نشان مطابق با احکام قانون.

۱۱ - تعیین معاون یا معاونین ریاست جمهوری از جمله اعضای حزب و همچنان تعیین وزراء از داخل و خارج حزب، عزل و قبول استعفای آنها.

۱۲ - تعیین اعضاء ستره محکمه وقاضی القضاة.

۱۳ - تعیین، تقاعد، قبول استعفاء و عزل قضاوت، صاحب منصبان قوای مسلح و مامورین عالیرتبه مطابق با احکام قانون.

۱۴ - تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی، تعیین نمایندگان دایمی افغانستان نزد موسسات بین المللی و قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی.

۱۵ - توشیح قوانین و فرامین تقنینی و اعلام انفاذ آنها، اعطای اعتبار نامه بغرض عقد معاهدات بین الدول مطابق با احکام قانون و توشیح معاهدات بین الدول.

ماده هفتاد ونهم

رئیس جمهور میتواند در موضوعات مهم ملی به آراء عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.

ماده هشتادم

رئیس جمهور قبل از اشغال وظیفه در محضر اعضای لویه جرگه حلف آتی را بجامی آورد:

بحضور شما نمایندگان ملت افغانستان من ۰۰۰۰۰۰ بنام خداوند بزرگ سوگند یاد مکنم که اساسات دین مقدس اسلام را حمایت کنم، قانون اساسی و دیگر قوانین افغانستان را محترم شمار و از آنها پیروی کنم، از استقلال ملی و تمامیت ساحه حراست و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع مردم و اهداف انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ و جمهوریت افغانستان نمایم.

ماده هشتاد و یکم

به استثنای حالاتیکه در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده رئیس جمهور در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام نمیدهد.

ماده هشتاد و دوم

رئیس جمهور در حالت مریضی و یا سفر معاون یا معاونین ریاست جمهوری را موظف میسازد تا طبق هدایاتیکه صادر میکند عوض وی کار نماید.

ماده هشتاد و سوم

معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تعیین میگردد.

ماده هشتاد و چهارم

برای انتخاب رئیس جمهور باید چهل و پنج روز قبل از ختم دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام این قانون اساسی و اساسنامه حزب اقدامات لازمه بعمل آید.

ماده هشتاد و پنجم

هرگاه رئیس جمهور اراده استعفا بنماید لویه جرگه را دایر و استعفا نامه خود را مستقیماً به لویه جرگه تقدیم میدارد. در صورتیکه لویه جرگه این استعفاء را قبول نماید انتخاب رئیس جمهور جدید طبق ماده هشتاد و ششم این قانون اساسی صورت میگیرد.

ماده هشتاد و ششم

هرگاه رئیس جمهور وفات نماید یا استعفا دهد وظیفه ریاست جمهوری موقتاً بر رئیس ملی جرگه سپرده میشود. در این حالت رئیس ملی جرگه بحیث نامزد ریاست جمهوری در انتخابات تعیین شده نمیتواند.

در زمان تصدی رئیس ملی جرگه بحیث رئیس جمهور موقت این قانون اساسی تعدیل شده نمیتواند. رئیس جمهور جدید باید در ظرف سی روز بعد از تاریخ خالی شدن کرسی ریاست جمهوری مطابق با احکام این قانون اساسی انتخاب گردد. در صورت بروز حالات عاجل و مهم ملی ایکه رئیس جمهور موقت را به اعمال صلاحیت های مندرج ماده هفتاد و هشتم این قانون اساسی مجبور سازد رئیس جمهور موقت میتواند با موافقه اعضای حکومت و شورای مرکزی حزب با رعایت احکام مندرج این ماده از صلاحیتهای متذکره ماده هفتاد و هشتم این قانون اساسی استفاده نماید.

ماده هشتاد و هفتم

اتهام به جرم خیانت ملی علیه رئیس جمهور از طرف دوثلث اعضای ملی جرگه تقاضا شده میتواند. این تقاضا بعد از موافقه دوثلث آراء اعضای شورای مرکزی حزب به لویه جرگه ارائه میشود. در این حالت رئیس جمهور مکلف است لویه جرگه را دایر نماید.

رئیس ملی جرگه از جلسات لویه جرگه ریاست مینماید.

هرگاه لویه جرگه اتهام منسوبه را با دلایل ارائه شده آن به اکثریت دوثلث آراء اعضای خود تصویب نماید رئیس جمهور از وظیفه سبکدوش میگردد.

ترکیب محکمه و طرز العمل محاکمه طور جداگانه توسط قانون خاص تنظیم میشود.

در این حالت وظیفه ریاست جمهوری موقتاً به رئیس ملی جرگه سپرده میشود.

رئیس جمهور موقت تابع احکام مندرج ماده هشتاد و ششم این قانون اساسی می باشد.

فصل هشتم

حکومت

ماده هشتاد و هشتم

حکومت اورگان عالی اجرائیوی و اداری دولت و متشکل از معاون یا معاونین ریاست جمهوری و وزراء میباشد که تحت رهبری رئیس جمهور ایفای وظیفه مینماید.

ماده هشتاد و نهم

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء باید تبعه افغانستان بوده خود و همسران شان از والدین افغان متولد و واجد تمام حقوق مدنی و سیاسی باشند.

ماده نودم

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء قبل از اشتغال وظیفه حلف آتی را بحضور رئیس جمهور بجا می آورند:

بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که قانون اساسی و دیگر قوانین افغانستان را محترم شمارم و از آن پیروی کنم و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع ملی نموده از اهداف انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ و جمهوریت افغانستان حمایت نمایم.

ماده نود و یکم

حکومت دارای وظایف و صلاحیت های ذیل میباشد:

- ۱ - تطبیق سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام قانون و اساسات حزب.
- ۲ - اداره، انسجام و مراقبت امور وزارت ها و سایر دوایر و موسسات عامه.
- ۳ - صدور تصامیم اجرایی و اداری طبق قوانین و فرامین صادره و نظارت بر تطبیق آنها.
- ۴ - تسوید قوانین و وضع مقررات.
- ۵ - ترتیب و تنظیم بودجه دولت و اتخاذ تدابیر برای استحکام وضع اقتصادی و سیستم پولی و مالی.
- ۶ - طرح پلانیهای انکشافی دولت و اتخاذ تدابیر برای تطبیق و اجرای آن.
- ۷ - مفاهمه و مذاکره راجع به گرفتن و دادن قروض داخلی و خارجی.
- ۸ - اتخاذ تدابیر برای تامین نظم و امن عامه.
- ۹ - اتخاذ تدابیر لازم و موثر جهت از بین بردن هر نوع فساد اداری مطابق به احکام قانون.
- ۱۰ - عقد قرار داد ها با ممالک و موسسات خارجی مطابق به احکام قانون.
- ۱۱ - اجرای سایر وظایفیکه این قانون اساسی و قوانین به حکومت سپرده باشد.

ماده نود و دوم

حکومت برای تنظیم امور براساس قوانین، مقررات وضع میکند. این مقررات مناقض نص یا روح قانون بوده نمیتواند.

ماده نود و سوم

به استثنای حالاتیکه در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمیتواند.

ماده نود و چهارم

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء در برابر رئیس جمهور، شورای مرکزی حزب و ملی جرگه در قسمت اجراات خود مسئول میباشد.

ماده نود و پنجم

اتهام جرم علیه معاون یا معاونین رئیس جمهور یا هریکی از وزراء از طرف یک ثلث اعضای ملی جرگه تقاضا شده میتواند.

این تقاضا صرف به اکثریت دو ثلث آراء اعضای ملی جرگه تصویب میگردد.

متهم پس از تصویب از وظیفه منفصل میشود. محاکمه متهم در محضر محکمه خاص دایر میشود.

ترکیب محکمه، و طرز العمل محاکمه آن و همچنان مجازات طور جداگانه توسط قانون خاص تنظیم میگردد.

فصل نهم

قضاء

ماده نود و هشتم

قوه قضائیه یک رکن دولت و مرکب است از ستره محکمه و محاکم دیگریکه تعداد آن توسط قانون تعیین میگردد.

هدف عمده این قوانین توحید مرافق قضایی و تنظیم تشکیلات صلاحیت محاکم و طرز العمل محاکمه میباشد.

ماده نود و هفتم

صلاحیت قضاء شامل رسیدگی به تمام دعاوی ایست که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی بشمول دولت بصفت مدعی یا مدعی علیه قرار گرفته و به پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده نود و هشتم

در هیچ حالت به استثنای حرب نمیتواند قضیه یا ساحه را از دایره صلاحیت قوه قضائیه دولت به نحویکه در این فصل تحدید شده خارج ساخت و به مقام دیگری تفویض نمود.

این حکم مانع تشکیل محاکم عسکری نمیگردد ولی ساحه این نوع محاکم به جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان منحصر میباشند.

تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده نود ونهم

محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود احکام این قانون اساسی و قوانین دولت را تطبیق میکنند.

هرگاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدودیکه این قانون اساسی وضع نموده در چنین احوال حکمی صادر میکنند که در نظر شان عدالت را به بهترین صورت ممکن تامین نماید.

ماده صدم

قضات به پیشنهاد قاضی القضاات و منظوری رئیس جمهور تعیین میگردند.

ماده یکصدویکم

عزل قضات با اثر ارتکاب جرم به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور صورت می گیرد هرگاه قاضی به ارتکاب جرمی متهم شود ستره محکمه قاضی مطابق به احکام قانون بحالت قاضی رسیدگی نموده پس از استماع دفاع او در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و بام منظوری آن از طرف رئیس جمهور قاضی از وظیفه عزل و مطابق به احکام قانون مجازات میشود.

ماده یکصدودوم

تبدیل، ترفیع، تقاعد، قبول استعفا و مواخذة قضات توسط ستره محکمه مطابق باحکام قانون صورت میگیرد.

ماده یکصدو سوم

برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد.

ماده یکصدو چارم

به استثنای حالاتیکه در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی توانند.

ماده یکصد و پنجم

در محاکم افغانستان محاکمه بصورت علنی اجرا میشود و هرکس حق حضور را دران مطابق باحکام قانون دارد.

فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که تعمیل حکم محکمه نهایی مشروط به توشیح رئیس جمهور می باشد.

محکمه میتواند در حالت استثنائی که در قانون تصریح گردیده باشد جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید بهر حال علناً صورت بگیرد.

محاکم مکلف اند اسباب حکمی را که صادر میکنند در فیصله خود ذکر نمایند.

ماده یکصد و ششم

کشف جرایم از طرف پولیس، تحقیق، تعقیب و اقامه دعوی آن از طرف خرنوال که جزء قوه اجرائیه هستند مطابق باحکام قانون صورت میگیرد.

کشف و تحقیق جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان توسط قانون خاص تنظیم میگردد.

ماده یکصد و هفتم

ستره محکمه مرکب است از (۹) عضو که از طرف رئیس جمهور تعیین میشوند.

عضو ستره محکمه باید دارای اوصاف ذیل باشد:

۱ - سن سی و پنج سالگی را تکمیل نموده باشد.

۲ - اقلاً ده سال قبل از تاریخ تعیین تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.

۳ - از طرف محکمه بحرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد.

۴ - از اهداف ملی، علم حقوق، و نظام حقوقی افغانستان آگاهی کافی داشته باشد.

رئیس جمهور یکنفر از جمله اعضای ستره محکمه را که سن او از چهل سال کمتر نباشد به حیث قاضی القضاات تعیین مینماید.

رئیس جمهور می تواند بر تعیین اعضای ستره محکمه وقاضی القضاات بعد از مرور هر پنج سال از تاریخ تعیین شان به وظایف مذکور تجدید نظر بنماید.

بارعایت این حکم اعضای ستره محکمه وقاضی القضاات بهیچ وسیله دیگر به استثنای حالت مندرج ماده (۱۱۱) این قانون اساسی از وظایف شان برطرف نمیشوند.

ماده یکصد و هشتم

اعضای ستره محکمه وقاضی القضاات قبل از اشغال وظیفه حلف آتی را بحضور رئیس جمهور بجا می آورند:

" بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که وظیفه قضاء را با کمال امانت و شرافت اجرا نموده حق و عدالت را بارعایت اساسات دین مقدس اسلام وسایر احکام وارزش های قانون اساسی وقوانین دولت جمهوری افغانستان تامین نمایم ودر همه اجراءات خود خداوند جل جلاله را حاضر دانسته حقوق مردم ووطن را به نفع عدالت حمایت نمایم."

ماده یکصد و نهم

به استثنای حالت مندرج ماده (۱۱۱) این قانون اساسی اعضای ستره محکمه وقاضی القضاات بعد از ختم قانونی دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از تمام امتیازات مالی دوره خدمت شان مستفید میشوند. اعضای ستره محکمه وقاضی القضاات نمی توانند بعد از ختم دوره خدمت عضو حکومت، عضو ملی جرگه ویا مامور دولت باشند.

ماده یکصد و دهم

هر عضو ستره محکمه وقاضی القضاات می تواند طبق احکام قانون استعفا بدهند، استعفای اعضای ستره محکمه وقاضی القضاات از تاریخ منظوری آن از طرف رئیس جمهور نافذ می گردد، قاضی القضاات وعضو مستعفی از امتیازات مالی مندرج ماده یکصد و نهم این قانون اساسی مستفید شده نمیتواند.

قیود متذکره فقره اخیر ماده یکصد و نهم بالای هر عضو مستعفی و قاضی القضاات قابل تطبیق میباشد.

ماده یکصد و یازدهم

هرگاه یک ثلث اعضای ملی جرگه محاکمه قاضی القضاات یایک یا چند عضو ستره محکمه را براساس اتهام بجرم ناشی از اجرای وظیفه تقاضا نمایند و ملی جرگه این تقاضا را به اکثریت دوثلث اعضای تصویب کند متهم از وظیفه سبکدوش میشود.

ملی جرگه از بین اعضای یک نفر را جهت اقامه دعوا او هیاتی را مرکب از هشت نفر برای اجرای محاکمه تعیین میکند.

این هیات تحت ریاست رئیس ملی جرگه متهم را مطابق به طرز العمل محکمه جزائی محاکمه مینماید ودر صورتیکه جرم متهم ثابت شود او را از وظیفه عزل وبجزا محکوم میسازد.

ماده یکصد و دوازدهم

ستره محکمه تشکیلات و اجراآت محاکم و امور قضائی دولت را مطابق با حکام این قانون اساسی و قوانین تنظیم مینماید. جز در مواردیکه درین قانون اساسی تصریح گردیده صلاحیت های قضایی و اداری ستره محکمه توسط قانون تنظیم میشود. ستره محکمه تدابیر لازم را جهت تنظیم امور اداری محاکم اتخاذ میکند. بودجه قوه قضائیه از طرف قاضی القضاات به مشوره حکومت ترتیب گردیده بحیث یک جزء بودجه دولت توسط حکومت به ملی جرگه تقدیم میشود، تطبیق بودجه قضاء از صلاحیت ستره محکمه می باشد. ستره محکمه می تواند در ساحه تنظیم امور قضائی قوانین را تسوید و آنرا مطابق بحکم مندرج ماده شصت و دوم این قانون اساسی به ملی جرگه پیشنهاد نماید.

ماده یکصد و سیزدهم

در مورد مامورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائی، احکام قوانین مربوط به مامورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد ولی تعیین ترفیع، قبول استعفاء مواخذه و تقاعد شان توسط ستره محکمه بر وفق قانون صورت میگیرد.

فصل دهم

اضطرار

ماده یکصد و چاردهم

هرگاه حرب، خطر حرب، اغتشاش یا حالت مماثلیکه کشور را باخطر مواجه سازد حفظ استقلال و حیات ملی یا امنیت را بر هم زند به نحویکه تامین آن از مجرائیکه دراین قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد حالت اضطرار از طرف رئیس جمهوری اعلان میشود. هرگاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت ملی جرگه شرط است.

ماده یکصد و پانزدهم

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند تمام یا بعضی صلاحیت های ملی جرگه را بحکومت انتقال دهد.

ماده شانزدهم

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند با رعایت حکم مندرج ماده نود و هشتم این قانون اساسی قسمتی از صلاحیت قضاء را به محاکم عسکری انتقال دهد.

ماده یکصد و هفدهم

در حالت اضطرار حکومت میتواند با موافقه ستره محکمه احکام ذیل این قانون اساسی را توسط فرامین جمهوری معطل بسازد و یا بر آن قیودی وضع نماید:

۱ - حکم فقره پنجم ماده سی ام.

۲ - حکم فقره اول ماده سی و پنجم.

۳ - حکم فقرات سوم و چهارم ماده سی و هشتم.

۴ - حکم فقره دوم ماده سی و هفتم.

۵ - حکم ماده سی ونهم.

ماده یکصد و هجدهم

در حالت اضطرار رئیس جمهور میتواند مرکز افغانستان را بمحل دیگری غیر از شهر کابل انتقال دهد.

ماده یکصد و نوزدهم

هرگاه دوره وکالت اعضای ملی جرگه در اثنای حالت اضطرار ختم شود رئیس جمهور می تواند اجرای انتخابات جدید را ملتوی بسازد و دوره وکالت اعضای ملی جرگه تا ختم حالت اضطرار تمدید دهد. بعد از ختم دوره اضطرار بلا فاصله انتخابات اجرا میگردد.

ماده یکصد و بیستم

در حالت اضطرار قانون اساسی تعدیل نمیشود.

فصل یازدهم

تعدیل

ماده یکصد و بیست و یکم

اصل پیروی از اساسات اسلام و نظام جمهوری مطابق با حکام این قانون اساسی تعدیل نمیشود. تعدیل دیگر محتویات قانون اساسی نظر به تجارب و ایجابات عصر به پیشنهاد حکومت و یا شورای مرکزی حزب و یا یک ثلث اعضای ملی جرگه مطابق به احکام این فصل صورت میگیرد.

ماده یکصد و بیست و دوم

پیشنهاد تعدیل را لویه جرگه غور نموده در صورتیکه اکثریت اعضای آن ضرورت تعدیل را تصویب کند هیأتی را از بین اعضاء جهت تهیه طرح تعدیل تعیین مینماید. این هیات طرح تعدیل را به مشوره حکومت و ستره محکمه تهیه نموده به لویه جرگه تقدیم میکند. هرگاه لویه جرگه به اکثریت اعضاء طرح تعدیل را تصویب کند بعد از توشیح و اعلام رئیس جمهور نافذ میگردد.

فصل دوازدهم

احکام انتقالی

ماده یکصد و بیست و سوم

بانفاذ این قانون اساسی رئیس جمهور فرمان انحلال حکومت را صادر میکند و حکومت جدید را بر طبق روحیه این قانون اساسی دولت جمهوری تشکیل مینماید.

ماده یکصد و بیست و چهارم

رئیس جمهور مطابق به احکام این قانون اساسی ملی جرگه را بتاريخ اول قوس سال ۱۳۵۸ هجری شمسی دایر مینماید. مدت بین انفاذ این قانون اساسی و افتتاح ملی جرگه دوره انتقال شمرده میشود. در دوره انتقال صلاحیت های ملی جرگه به حکومت تعلق میگیرد.

ماده یکصد و بیست و پنجم

هرگاه در دوره انتقال حالتی از حالات ظهور نماید که مطابق حکم ماده (۶۷) این قانون اساسی وجود لویه جرگه را ایجاد کند رئیس جمهور اعلامیه ای مبنی بر دایر شدن لویه جرگه را صادر میکند. در چنین حالات تا زمان دایر شدن لویه جرگه رئیس جمهور تمام صلاحیت های لویه جرگه را دارا میباشد، رئیس جمهور بلافاصله بعد از افتتاح لویه جرگه اجرا آتی را که مطابق بحکم این ماده بعمل آورده به استحضار لویه جرگه میرساند و لویه جرگه در مورد آن تصمیم اتخاذ میکند. هرگاه در موقع ظهور یکی از حالات مذکور هنوز شورای مرکزی حزب و یا شورایی عالی قوای مسایح و یا ستره محکمه مطابق با حکام این قانون اساسی تشکیل نشده باشد لویه جرگه بدون موجودیت آن به شکل عنعنوی دایر میگردد.

ماده یکصد و بیست و ششم

رئیس جمهور مطابق بحکم مندرج ماده یکصد و هفتم این قانون اساسی تشکیل ستره محکمه را بتاريخ اول سرطان ۱۳۵۷ هجری شمسی را مینماید. رئیس جمهور از تاریخ نفاذ این قانون اساسی الی زمان تشکیل ستره محکمه بمنظور تامین اجرای وظائف آن تدابیر لازم را اتخاذ مینماید.

ماده یکصد و بیست و هفتم

فرامین تقنینی ایکه در دوره انتقال نافذ میگردد بعد از دایر شده ملی جرگه در اولین اجلاس آن در ظرف سی روز به ملی جرگه جهت اخذ تصمیم تقدیم میشود.

ماده یکصد و بیست و هشتم

در دوره انتقال، حکومت موظف است که:

فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ملی جرگه، مطبوعات، اجتماعات و تشکیلات اساسی دولت را ترتیب نموده و به توشیح رئیس جمهوری برساند.

ماده یکصد و بیست و نهم

در دوره انتقال، حکومت تدابیر لازم را جهت هم آهنگ ساختن اجرا آت، تطبیق و عملی نمودن پروگرامهای دولت بر طبق احکام این قانون اساس اتخاذ مینماید.

ماده یکصد و سی ام

در دوره انتقال، مطابق بحکم ماده چهل و نهم این ماده اساسی اساسنامه حزب انقلاب ملی بحیث اولین حزب که بانی و پیش آهنگ انقلاب ملی و مترقی (۲۶) سرطان سال ۱۳۵۲ مردم افغانستان است از طرف رئیس جمهور نافذ و اعلام میگردد.

ماده یکصد و سی و یکم

در دوره انتقال رئیس جمهور شورای عالی قوای مسلح را تاسیس و اعلام مینماید.

ماده یکصد و سی و دوم

در دوره انتقال، رئیس جمهور صلاحیت دارد تا به منظور اجراء وظایف مقام ریاست جمهوری در حالت وفات وی شورای موقت ریاست جمهوری را باسناد فرمانیکه در مورد صادر مینماید پیشبینی کند. شورای موقت ریاست جمهوری مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ وفات لویه جرگه را برای انتخاب رئیس جمهور جدید به شکل عنعنوی دایر نماید.

فصل سیزدهم

احکام عمومی

ماده یکصد و سی و سوم

نخستین لویه جرگه ایکه در نظام جمهوری بتاریخ دهم دلو ۱۳۵۵ هجری شمسی در کابل مرکز افغانستان دایر میشود اولین رئیس جمهور دولت جمهوری افغانستان را باکثریت دوثلث آراء اعضاء برای مدت شش سال انتخاب مینماید.

ماده یکصد و سی و چهارم

صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و مامورین وزارت امور خارجه باید خود و همسر شان از والدین افغان متولد باشند.

ماده یکصد و سی و پنجم

مرجع باصلاحیت تفسیر این قانون اساسی ستره محکمه میباشد.

ماده یکصد و سی و ششم

بانفاذ این قانون اساسی قانون اساسی سابق و فرامین جمهوری شماره اول، دوم و سوم مورخ چارم اسد سال ۱۳۵۲ ملغی شناخته میشود. احکام قوانینکه قبل از انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده میشود که مناقض احکام و ارزشهای این قانون اساسی نباشد.